

Removing the Interim Government and the Religious Nationalist Discourse in Iran after the Islamic Revelation from the Perspective of Pierre Bourdieu's Theory of Action.

Mohammad Bahrami *Corresponding Author*, PhD student in Political Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: mohamadbahrami1982@gmail.com

Ghodrat Ahmadian Associate Professor, Department of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: gahmadian@razi.ac.ir

Jalil Karimin Associate Professor, Department of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: j.karimi@razi.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Capital,
Habitual,
Impulse Action,
Speech,
The Field.

ABSTRACT

After the victory of the Islamic revolution and with the formation of the interim government by Engineer Mehdi Bazargan, the gap, and difference between the revolutionary forces increased, which resulted in the resignation of Engineer Bazargan and going to the sideline and finally the removal of the national-religious movement and discourse from the political sphere of Iran. The space and field of politics in Iran in those years mainly based on impulsive actions and behaviors. The characteristics of this can be seen in the politics of exclusion, polarization, transformation, and internal communication action. In the current research, by placing this type of action as a basis, which is based on emotion, violence, instant decisions, and far from foresight and rationality, we are trying to answer the question of which causes or factors are the factors behind the formation of impulsive behaviors and actions and ultimately the removal of the interim government, and the liberal Nationalist discourse from the political field in Iran? In this regard, using Pierre Bourdieu's theory of action, we consider the removal of the provisional government and the liberal nationalist discourse in the field of politics and power (the most important field from Pierre Bourdieu's point of view) after the revolution as the result of the interaction and dialectical relationship between the field and the habitus of the actors.

Cite this Article: Bahrami, M., Ahmadian, G., & Karimi, J. (2024). Removing the Interim Government and the Religious Nationalist Discourse in Iran after the Islamic Revelation from the Perspective of Pierre Bourdieu's Theory of Action. *International Relations Researches*, 14(2), 27-56. doi: 10.22034/irr.2024.468208.2567



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.468208.2567



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در ایران پس از انقلاب اسلامی

از چشم انداز نظریه‌گنش‌پی‌یر بوردیو

محمد بهرامی نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: mohamadbahrani1982@gmail.com

قدرت احمدیان دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: gahmadian@razi.ac.ir

جلیل کریمی دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: j.karimi@razi.ac.ir

در باره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تشکیل دولت موقت از سوی مهندس مهدی بازرگان شکاف و اختلاف میان نیروهای انقلابی بالا گرفت که برآیند آن استعفای مهندس بازرگان و به حاشیه رلندن و نهایتاً حذف جریان ملی‌مذهبی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی از سپهر سیاسی ایران بود. فضا و حوزه سیاست در ایران در این سال‌ها عمدتاً مبتنی بر کنش و رفتارهای تکانه‌ای بوده که شاخصه‌های آن را می‌توان در سیاست حذف، قطب‌بندی، دگرسازی، و کنش ارتباطی درون‌گرمی مشاهده کرد. در پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن این نوع از کنش که مبتنی بر هیجان، خشونت، تصمیمات آنی و به‌دور از دوراندیشی و عقلانیت می‌باشد در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که کدام علل یا عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های تکانه‌ای و نهایتاً حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی از میدان سیاست در ایران شد؟ در این راستا با بهره‌گیری از نظریه‌گنش‌پی‌یر بوردیو حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در میدان سیاست و قدرت (مهم‌ترین میدان از منظر پی‌یر بوردیو) پس از انقلاب را حاصل تعامل و رابطه دیالکتیکی میدان و منش (عادت‌واره) کنش‌گران می‌دانیم.
کلیدواژه‌ها: سرمایه، عادت‌واره، کنش تکانه‌ای، گفتمان، میدان	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸	

استناد به این مقاله: بهرامی، محمد، احمدیان، قدرت، & کریمی، جلیل. (۱۴۰۳). حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در ایران

پس از انقلاب اسلامی از چشم انداز نظریه‌گنش‌پی‌یر بوردیو. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۲)، ۲۷-۵۶. doi: .

10.22034/irr.2024.468208.2567

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





سیاست حذف و دگرسازی از مهم‌ترین کنش‌های رفتاری در فضای سیاسی ایران بوده و این رویکرد با تغییر دولت‌ها و جابجایی و جایگزینی نخبگان جدید نیز تغییری نیافته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شاهد تقابل دو گفتمان اصلی برآمده از انقلاب (گفتمان ملی‌گرای مذهبی و گفتمان انقلابی) هستیم که در شرایط جنبشی و به واسطه دستیابی به هدف مشترک به‌طور موقت و برای گذار از حکومت محمدرضا شاه به اجماع رسیده بودند. این در حالی است که همکاری و همراهی نیروهای مذهبی و انقلابی با نیروهای ملی - مذهبی دولت مستعجل بود و زودتر از آنچه که گمان می‌رفت اختلافات میان این دو جریان نمایان شد. فقدان اجماع میان نیروهای مذهبی و جریان ملی‌گرای مذهبی بر سر نحوه حکومت‌داری و شکل حکومت، چگونگی تعامل با جریان‌ها و احزاب سیاسی و به‌طور کلی منش و کنش متفاوت میان این دو زمینه‌های تقابل را فراهم کرد. شرایط انقلابی و دوران گذار پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فضایی فراهم آورده بود که به رفتارهای تکانه‌ای دامن می‌زد. برآیند این تحولات طرد و حذف جریان ملی‌گرای مذهبی از سوی نیروهای مذهبی و گفتمان انقلابی و تسخیر میدان سیاست و قدرت به دست نیروهای انقلابی و جریان مذهبی بود. از این رو مهم‌ترین هدفی که پژوهش حاضر دنبال می‌کند توضیح و تبیین رفتار و کنش تکانه‌ای به‌عنوان یکی از موانع توسعه و دموکراتیزاسیون است که در قالب سیاست حذف و دگرسازی در سپهر سیاسی ایران تبلور پیدا می‌کند. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که علل و عوامل زمینه‌ساز حذف جریان و گفتمان ملی - مذهبی به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی انقلاب اسلامی کدامند؟ در مورد چگونگی و چرایی طرد گفتمان ملی‌گرای مذهبی در فضای سیاسی تا کنون مطالبی نگاشته شده و از جنبه‌های مختلف این امر مورد بررسی قرار گرفته است که در پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که برآیند و تعامل میدان (زیست کنش‌گران در میدان‌های متفاوت در کنار توزیع ناعادلانه سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین در میدان سیاست) با منش (عادت‌واره) کنش‌گران منجر به شکل‌گیری کنش حذف و دگرسازی در فضای سیاسی ایران و حذف جریان ملی - مذهبی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در میدان و فضای سیاسی ایران گردید. روش‌شناسی پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و به لحاظ تأکید بر کنش و عادت‌واره، و در نظر گرفتن سپهر سیاسی ایران به‌عنوان میدان و وجود عادت‌واره‌های متعدد در آن، نظریه عمل پیر بوردیو مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس رویکرد به واقعیت اجتماعی، رویکردی تعاملی و رابطه‌گرایانه می‌باشد که بر اساس آن



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بنیادی به توده‌ها نمی‌دهند، به‌زودی از محبوبیت می‌افتد و حمایت عامه را از دست می‌دهد. از سوی دیگر نیروهای رادیکال و انقلابی با دادن وعده وعید دست به بسیج یا ادامه بسیج طبقات پایین می‌زنند و یکباره یا به تدریج میانه‌روها را از بلوک قدرت خارج می‌کنند و بی‌اعتبار جلوه می‌دهند. در این نوشتار به خوبی شرایط ساختاری و خصوصیات دوران پسا انقلاب به تصویر کشیده می‌شود از سوی دیگر به‌طور تلویحی به نقش منش و ویژگی‌های فردی میانه‌روها اشاره می‌شود اما به زمینه‌های شکل‌گیری منش و خصوصیات اخلاقی کنش‌گران پرداخته نمی‌شود.

خستو (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت‌یابی روشنفکری دینی؛ «مطالعه موردی مهندس بازرگان» به بررسی عوامل مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری منش و کنش مهندس بازرگان در فضای سیاسی و اجتماعی ایران می‌پردازد. بر اساس یافته‌های نگارنده در اندیشه بازرگان شاهد تأثیر نهادهای دوگانه سنتی و مدرن بر شخصیت وی هستیم و می‌توان ملاحظه کرد چگونه خاستگاه اجتماعی فوق بر دیدگاه و گُنش او تأثیر می‌گذارد. در آثار بازرگان ماهیت دوگانه اندیشه‌های او کاملاً نمایان است. در این مقاله با تأکید بر نظریه ساخت‌یابی شکل‌گیری جریان روشنفکری دینی «گفتمان ملی‌گرای مذهبی» محصول تعامل و وابستگی متقابل کارگزار و ساختار بوده است.

در نوشتار پیش رو تلاش می‌شود تا با بررسی تقابل میان جریان ملی- مذهبی در قالب گفتمان ملی‌گرای مذهبی و جریان مذهبی در قالب گفتمان انقلابی‌گری به یکی از مهم‌ترین کنش‌های رفتاری یعنی کنش حذف و طرد در فضای سیاسی کشور پرداخته شود. در این راستا برای درک بهتر این کنش با پرهیز از تحلیل‌های تک‌متغیره مبتنی بر ساختار یا کارگزار چارچوب نظری گُنش پی‌یر بوردیو را که مبتنی بر نوعی جامعه‌شناسی تعامل‌گرایانه می‌باشد به کار گرفته می‌شود از این رو تفاوت نوشتار پیش رو با آثار قبلی را می‌توان در جامعیت تحلیلی آن و توجه هم‌زمان به نقش عاملیت و ساختار یا به تعبیر بوردیویی تعامل منش «عادت‌واره» کنش‌گران و میدان در شکل‌گیری کنش جستجو کرد.

۲. چارچوب نظری: بوردیو و ابعاد امر سیاسی

در نوشتار پیش رو از چارچوب نظری «کنش» پی‌یر بوردیو استفاده شده است. لذا باید ابتدا به شرایط تاریخی شکل‌گیری این دیدگاه و مولفه‌ها و عناصر فکری دستگاه نظری او نگاهی اجمالی داشته باشیم. پی‌یر بوردیو را متعلق به جریانی در جامعه‌شناسی می‌دانند که از آن به‌عنوان جریان بازاندیشی در تاریخ جامعه‌شناسی یاد می‌شود. این جریان بر خلاف جامعه‌شناسان متقدم (عین‌گرایان و ذهن‌گرایان)، واقعیت اجتماعی را نه صرفاً امری عینی قلمداد می‌کنند و نه آن را برساخته کنش‌گران انسانی. آنان به تقابل بین



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کنش کمک می‌کند (زکی، ۱۳۹۵: ۲۱۱). بورديو با مفهوم منش فرایندی را توضیح می‌دهد که به واسطه آن عملکردهای سبک زندگی را بازتولید می‌کند بر این مبنا می‌توان گفت منش مجموعه‌ای از خلق و خوی‌های پایدار در افراد است که کردارهای خاص پدید می‌آورد افراد طبق چنین نظام‌های درونی شده‌ای عمل می‌کنند که بورديو آن را ناخودآگاه فرهنگی می‌نامد از این رو منش سازوکاری انتقالی است که به مدد ساختارهای ذهنی و اجتماعی در فعالیت اجتماعی روزمره تجسم می‌یابد (ایگلتن، ۱۳۸۱: ۲۴۰). در اینجا باید به جنبه اکتسابی منش تأکید نمود، زیرا منش صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌های روانی نیست، بلکه محصول جامعه‌پذیری بلندمدت در شرایط اجتماعی خاص یا موقعیت معین است (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۲۱). در سپهر اندیشه بورديو، به نظام ساخت‌یافته موقعیت‌های اشغال شده از سوی افراد و نهادها بر پایه روابط قدرت عنوان میدان اطلاق می‌گردد. به بیان دیگر، میدان، بنا به تعریف، ناظر به نوعی قلمرو اجتماعی است که در آن عادت‌واره‌های مشخص جاری است. هر میدان اجتماعی ضمن برخورداري از قواعد سازماندهی خاص خود، مجموعه‌ای از موقعیت‌ها و کنش‌های مرتبط را فراهم آورده و آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد. (بورديو، ۱۳۹۳: ۶۸). میدان قدرت مهم‌ترین میدان نزد پی‌یر بورديو می‌باشد که در قالب روابط نیرویی بین موقعیت‌های اجتماعی عمل می‌کند و متضمن نوعی سرمایه است که دارندگان خود را قادر می‌سازد تا به منازعات بر سر انحصار قدرت و یا بر سر تعریف شکل مشروع قدرت وارد گردند. میدان‌ها عرصه مبارزه و کشمکش هستند و نوع خاصی از مبارزه را به کنش‌گران تحمیل می‌کنند. میدان‌ها یا زمینه‌ها، ساختارهای بیرونی‌اند که عوامل درونی را در فرد منعکس می‌کنند. در واقع آنها فضاهای زندگی اجتماعی‌اند. فضاهایی که قبل از تولد فرد موجودند و رفته‌رفته هویت و شخصیت جداگانه‌ای برای خود پیدا کرده‌اند (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

از نظر بورديو وجود نابرابری جزئی اساسی و جدایی‌ناپذیر از میدان است. بورديو نابرابری اجتماعی را با سه مؤلفه اساسی: اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی تبیین و بر مبنای آن نظریات خود را درباره انواع سرمایه در فضای اجتماعی ساخته و پرداخته می‌کند. بر این اساس، میدان به صحنه تنازع کنشگران و نهادها برای حفظ، بازسازی یا براندازی نظام موجود توزیع سرمایه، و در سطحی بالاتر توزیع قدرت، تبدیل می‌شود (موید حکمت و هاشمی فشارکی، ۱۴۰۰: ۲۷۹).

از دیدگاه بورديو سرمایه عبارت است از منابع، کالاها و ارزش‌های در دسترس افراد که در میدان می‌توانند برای دارندگان‌شان قدرت به دست آورند. مراد بورديو از «سرمایه» منابعی است که در سراسر بدن اجتماعی توزیع می‌شود و در انواع مختلفی از «بازارها» یا «میدان‌ها» ارزش مبادله دارند. بورديو از



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



زمانی که باور دیگران به وجود آن را به همراه نداشته باشد، نخواهد توانست دوام یابد (صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۵۹). از دیدگاه بوردیو، سه عامل در سرمایه تأثیر اساسی دارد: حجم، ترکیب و مسیر. حجم مربوط به میزان سرمایه است. ترکیب به میزان فراوانی نسبی سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین است. همچنین، از نظر وی، هر فردی در زندگی اجتماعی خود مسیری را طی می‌کند که آن مسیر می‌تواند او را از یک نقطه به نقطه دیگر حرکت دهد (صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۳۹).

کنش تکانه‌ای یا سیاست طرد و حذف به‌عنوان یکی از شاخصه‌های این نوع از کنش در چارچوب فرهنگ سیاسی قرار می‌گیرد. متونی که بر نقش فرهنگ سیاسی در ایران به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در توسعه نیافتگی اشاره می‌کنند عمدتاً یا به خصصت‌ها و منش‌های کنش‌گران (عادت‌واره) اشاره و یا ساختار سیاسی (میدان) را مورد توجه قرار داده‌اند. در نوشتار حاضر سعی شده از این نگاه تقلیل‌گرایانه فاصله گرفته و با بهره‌گیری از نظریه کنش پیر بوردیو و جامعه‌شناسی تعامل‌گرایانه او به‌طور هم‌زمان به نقش ساختار و کارگزار و تعامل میان این دو در شکل‌گیری رفتارهای غیردموکراتیک و تکانه‌ای و سیاست طرد و حذف توجه شود.

۳. میدان سیاست و قدرت: عرصه ظهور کنش‌های تکانه‌ای و سیاست طرد

۳-۱. ظهور کنش‌های تکانه‌ای

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ملهم از دو اندیشه و آرمان ناسیونالیسم ایرانی و اسلام بود. پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه اتحادی بود که میان افراد و جریان‌های سیاسی برای حذف شاه از قدرت شکل گرفته بود. مهم‌ترین خصیصه این ائتلاف آن بود که بسیار متکثر بود و بخش زیادی از اندیشه‌ها را نمایندگی می‌کرد اما در عین حال میان این ائتلاف جز بر سر برکناری شاه از قدرت هیچ گونه تعهد سیاسی و یا هدف مشترک دیگری وجود نداشت (فریدمن، ۲۰۱۸: ۳). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که ناشی از ائتلاف میان سه جریان فکری و ایدئولوژیک (اسلام‌گرایان، ملی‌گرایان سکولار و چپ‌گرایان) با هدف گذار از حکومت محمدرضا شاه بود، میدان قدرت و سیاست در ایران بار دیگر به کانون تقابل تبدیل شد. در سال‌های نخست و با تشکیل دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان، جریان ملی مذهبی قدرت را در دست گرفت و جهت تثبیت گفتمان ملی‌گرایی مذهبی و تثبیت و هژمون ساختن این گفتمان تلاش‌هایی انجام داد. در این میان اسلام‌گرایان با توجه به موقعیت منحصر به فرد رهبری آیت‌الله خمینی و نقشی که روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت به‌عنوان جدی‌ترین رقیب گفتمان ملی‌گرای



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بیشتری از شئون و اختیارات ولی فقیه سخن می گوید: «جمع آن چه برای امام (ع) است، برای فقیه نیز ثابت است، به جز مواردی که دلیل حکم کند آن چه برای امام (ع) است نه از جهت ولایت و سلطنت او، بلکه به جهات شخصی و امتیازات شخصی امام (ع) است» (موسوی خمینی، ۱۳۵۲: ۶۶۴). تئوری سیاسی آیت الله خمینی، رابطه معنا داری با بحران های زمانه اش دارد. چنان که وقتی ایشان به اصلاح نظام سلطنت امید دارد، در کشف اسرار تصریح می کند که حکومت باید با نظارت فقیه اداره شود، ولی زمانی که به دلیل عدم کارایی مشروطه، تشدید بحران های سیاسی و اجتماعی را مشاهده نمود، ولایت فقیه را تنها راه حل چالش های سیاسی موجود می داند (بهبودی، ۱۳۹۷: ۲۹). دوران رشد آیت الله خمینی با سال های اختلاف علما در مشروطه و گسترش اندیشه های غرب مدارانه در ایران همراه بود. سال های تأسیس حکومت سکولاریستی پهلوی (۱۳۰۴)، تأثیر عمیقی بر تفکر سیاسی ایشان داشت. با توجه به برنامه حذف روحانیت در دوره پهلوی اول، و افزایش نفوذ سکولارها، آیت الله خمینی به رهیافت شیخ فضل الله نوری رهبر علمای مشروطه خواه، در مبارزه توأمان با مخالفان و تشکیل حکومت دینی، گرایش بیشتری نشان داد. در چنین شرایطی است که آیت الله خمینی با معرفی حکومت اسلامی و ولایت فقه در دو اثر برجسته خود (کشف اسرار و ولایت فقیه) از حکومت پهلوی و رژیم هایی نظیر آن عبور کرده و حکومتی را دینی می داند که قدرت اجرایی آن به طور مستقیم در اختیار فقیه باشد (اسماعیلی، رحیم پورازغدی، نوعی باغبان، ۱۴۰۱: ۱۵۳-۱۴۵).

۳-۱-۲. نسبت دین و سیاست

از مبانی مهم نهضت آزادی که در تضاد کامل با گفتمان انقلاب قرار دارد، جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم است. این در حالی است که از منظر امام خمینی اسلام ناب، حکومت را جزء دین می داند و سیاست را عین دیانت می انگارد و وظیفه دینداران را تلاش جدی در عرصه سیاسی می داند، چرا که تحقق قسط و عدالت اجتماعی را مهم ترین هدف سیاسی - اجتماعی دین و اسلام تلقی می کند. امام خمینی، بدین جهت معتقدند «اسلام تماش سیاست است» (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۷۰). نگرانی عمده نهضت آزادی تشکیل حکومت بر اساس ارزش های دینی بود. نهضت آزادی معتقد است بر فرض اینکه یک حکومت و دولت دینی از همه جهت تمام و کمال به دست مؤمنان تشکیل شود، آن چه نباید این حکومت و دولت دخالتی در آن بنماید، دین و اخلاق مردم است؛ چرا که دولت یعنی قدرت و زور در برابر تجاوز بیگانگان به کشور، اما در برابر عقیده، عبادت و رابطه انسان با خود و خدا یعنی آزادی و تقرب، بسیار اشتباه و نقض غرض است که دولت حضور پیدا کند. این جریان با انتقاد از نظام جمهوری اسلامی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تفسیر خاصی که اسلام‌گرایان انقلابی از حکومت و سیاست داشتند در قالب انترناسیونالیسم اسلامی ظهور پیدا کرد که هدف و آرمان این تفسیر حداکثری تشکیل امت واحده اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان در مقابل جهان کفر و امپریالیسم جهانی بود. در مقابل گفتمان ملی‌گرای مذهبی مخالف هر گونه تقابل با نظام جهانی و نظم حاکم بر آن بود. این رویکرد را باید ناشی از هویت ملی‌گرایان مذهبی دانست که عمدتاً از عناصر ایران‌گرایی، اسلام‌گرایی، و تجددگرایی سرچشمه می‌گرفت.

۳-۱-۴. کنش تدریجی و اقدام انقلابی

مهندس بازرگان و اعضای دولت موقت به‌عنوان یک جریان میانه‌رو از نظر فکری افرادی اصلاح‌طلب و طرفدار اقدامات تدریجی، قانونی و به‌دور از خشونت بوده و با هر گونه اقدام انقلابی مخالف بودند. به نحوی که حتی بازرگان کمتر از ۴ ماه به انقلاب به سقوط شاه باور نداشت. ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ بازرگان با آیت‌الله خمینی در پاریس دیدار و در مورد استراتژی انقلاب با ایشان صحبت کرد. هدف بازرگان از این دیدار متقاعد کردن آیت‌الله خمینی بود مبنی بر این بود که اپوزیسیون باید پیشنهاد شاه در مورد انتخابات آزاد و عادلانه تابستان پیش رو را بپذیرد. بازرگان معتقد بود که جنبش از طریق این تربیون عمومی و پایگاه قانونی می‌توانست به‌صورت روش‌مند قدرت اجرایی را تحت کنترل خود قرار دهد. بازرگان این رویکرد را برنامه «گام به گام» خود نامید. با این تفاسیر بازرگان در این راه نتوانست حمایت آیت‌الله خمینی را به دست آورد چرا که آیت‌الله خمینی تأکید داشت که انقلاب به‌طور کامل و خیلی زود به پیروزی خواهد رسید (کرزمن، ۲۰۰۴: ۳۳۳-۳۳۴).

با توجه به منش مهندس بازرگان به‌عنوان یک فرد پرگماتیک یکی از اهداف اصلی دولت موقت پرهیز از اتخاذ سیاست‌های پوپولیستی و اقدامات هیجانی و رادیکال بود. از سوی دیگر شخصیت دموکراتیک بازرگان و باور او به دموکراسی و آزادی و تأکید بر حقوق بشر و میانه روی مانع از آن می‌شد تا با گروه‌های و جریان‌هایی که از منظر جریان انقلابی و روحانیون ضد انقلاب و یا گروه‌های معاند قلمداد می‌شدند برخورد قاطع صورت بگیرد. مهندس بازرگان بیان می‌کرد: «همانند یک (فولکس واگن) است که آهسته می‌رود و در پی تغییرات اندک و آهسته و آرام آرام در جامعه می‌باشد». همان‌گونه که بیان شد وی وعده تحولات آرمانی به توده مردم نداد. به سمت پوپولیسم انقلابی حرکت نکرد و معتقد به آزادی و طرد استبداد بود که این را می‌توان در نوشته‌های قبل انقلاب وی به‌خصوص در کتاب (مدافعان) دید. از این جهت وی هرگز دست به سرکوب سیاسی رقبای و مخالفان خود نزد و سعی در به‌روال عادی درآوردن اوضاع و دوری از قاطعیت انقلابی (مورد نظر انقلابیون) داشت (فیضی و رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۱).



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



به همراه دارد (فالاجی، ۱۳۸۷: ۳۴). برآیند اختلاف نظرها در موارد فوق در میدان سیاست و قدرت نهایتاً منجر به سیاست تقابل و کنش حذف و طرد گردید.

۳-۲. سیاست طرد

با نگاهی اجمالی به میدان سیاست و قدرت در ایران پس از انقلاب اسلامی و تقابل جریان ملی - مذهبی و روحانیت و گروه‌های اسلام‌گرا و انقلابی دو سؤال به ذهن متبادر و هر ذهن پرسشگری را به تفکر وامی‌دارد؛ نخست: به راستی این میزان از تفاوت دیدگاه و اختلاف از کجا نشأت می‌گیرد. دوم: چرا گفتمان ملی‌گرای مذهبی به راحتی از فضای سیاسی و اجتماعی ایران حذف می‌شود؟ در چرایی تقابل و نهایتاً حذف جریان ملی - مذهبی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی روشنفکری دینی و ناتوانی این گفتمان در تقابل با گفتمان انقلابی روحانیت شیعه در میدان سیاست و قدرت باید به سه عامل توجه داشت. نخست تفاوت میدان زندگی روزمره جریان روشنفکری دینی در مقایسه با روحانیت شیعه، دوم، عادت‌واره‌ها یا منش‌های متفاوت کنش‌گران ملی - مذهبی نسبت به روحانیت سنتی و سوم؛ ساختار میدان قدرت و سیاست در ایران پس از انقلاب اسلامی که ویژگی اصلی آن توزیع نامناسب سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) و همچنین خصلت سازش‌ناپذیر آن بود.

۳-۲-۱. تفاوت در میدان زندگی روزمره

دولت موقت و شخص مهندس بازرگان نماینده جریان روشنفکری دینی در ایران بودند که گرچه ریشه در سنت و آموزه‌های دینی داشتند اما با مکاتب فکری جدید و اندیشه‌های مدرن نیز آشنایی داشته و به دنبال ایجاد سنتز جدیدی متشکل از اندیشه‌های سنتی و مدرن و تفسیری حداقلی از دین بودند. این سنتز در قالب گفتمان ملی‌گرای مذهبی تبلور یافت و به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی انقلاب اسلامی نقش مهمی در مبارزه جهت پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد. شکل‌گیری گفتمان ملی‌گرای مذهبی به‌عنوان یک کنش (کنش گفتمانی) بیش و پیش از هر عاملی متأثر از میدانی بود که جریان روشنفکری دینی در آن زیست داشتند. به‌معنای دیگر همان‌گونه که پی‌یر بوردیو بیان می‌کند به ازاء هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادت‌واره‌ها یا سلیقه‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن بوجود می‌آید، و توسط این عادت‌واره‌ها مجموعه انتظام‌یافته‌ای از ثروت‌ها و خصلت‌ها به‌وجود می‌آورد که در درون خود از یک وحدت اسلوب برخوردارند. یکی از مهم‌ترین میدان‌های اجتماعی که بوردیو بر آن



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دوران اقتدارگرایی محمدرضا شاه شکاف عمیقی میان حکومت و روحانیون ایجاد شد. قرار دادن ایدئولوژی رژیم در تقابل با اسلام، طرح دولتی کردن روحانیت، و ایجاد تشکیلات موازی در برابر روحانیت از مهم‌ترین محورهایی بود که محمدرضا شاه از طریق آنها به ضدیت با روحانیت پرداخت و عامل شکاف بیشتر (هزاوه‌ای و میروسی، ۱۳۹۳: ۲۳۰-۲۲۶). یکی دیگر از مهم‌ترین میدان‌های تأثیرگذار در منش یا عادت‌واره روحانیت شیعه را باید زیست آن‌ها در حوزه‌های علمیه به‌عنوان زیرمیدان فرهنگی دانست. اندیشه‌هایی که در حوزه‌های علمیه فراگرفته می‌شود متفاوت با اندیشه‌های غربی است که عمدتاً مبتنی بر پوزیتویسم و نسبی‌گرایی هستند. دانشی که در نهادهای مذهبی آموزش داده می‌شود مبتنی بر نوعی ایدئولوژی دینی می‌باشد که مطلق انگاشته می‌شود. در این میدان فرهنگی امکان بحث و جدل و به رسمیت شناختن دیدگاه‌های متضاد به سختی امکان‌پذیر است. میدان خانواده، میدان سیاست و قدرتی که در آن روحانیت چندان به بازی گرفته نمی‌شدند و حس محرمیت نسبی در این میدان از یک سو و تأثیرپذیری از میدان فرهنگی (حوزه و نهادهای آموزشی تحت نفوذ روحانیون) از سوی دیگر، نه تنها موجب شکاف فزاینده روحانیون و دولت گردید بلکه در شکل‌گیری عادت‌واره‌ها و رفتارهای تکانه‌ای در میان این قشر از جامعه و تعمیق بی‌اعتمادی آن‌ها نسبت به حکومت، دولت‌های غربی و دیگر جریان‌های فکری به شدت تأثیرگذار بود.

۲-۲-۳. عادت‌واره‌های متفاوت

همان‌طور که گفته شد عادت‌واره نه صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌های روانی، بلکه محصول جامعه‌پذیری بلند مدت است. در این راستا باید گفت میدان زیست جریان ملی‌گرای مذهبی (طبقه و پایگاه اجتماعی، خانواده، تحصیلات، زندگی در غرب) در شکل‌گیری عادت‌واره‌ها یا منش‌های این جریان سیاسی و فکری و شخص مهندس بازرگان تأثیرگذار بود.

۱-۲-۲-۳. عادت‌واره‌های گفتمان ملی‌گرایان مذهبی

اول: روحیه مشارکتی

روحیه مشارکتی و کار جمعی از مهم‌ترین عادت‌واره‌های مهندس بازرگان بود که می‌توان این عادت‌واره را به سایر روشنفکران دینی و جریان ملی - مذهبی تسری داد؛ روحیه مشارکت‌جویی بازرگان از دو میدان فکری سرچشمه می‌گرفت؛ اسلام و آموزه‌های غربی. بر اساس آموزه‌های اسلامی او به شورا و اهمیت آن در جامعه اسلامی تأکید می‌کرد. دموکراسی را نیز یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشری و



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بازرگان از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۹ در تأسیس، سازماندهی، یا رهبری حداقل هشت جنبش، سازمان، کمیته، شورا یا گروه مشارکت داشته است از جمله: نهضت مقاومت ملی، دومین، سومین و چهارمین کنگره جبهه ملی، نهضت آزادی ایران، گروه مطالعات مخفی، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، و شورای انقلاب. تا فوریه ۱۹۷۹ بازرگان بارها رهبری شوراهای بورکراتیک و سلسله‌مراتبی را تجربه کرده و به نوعی به کار سازمانی و سلسله‌مراتبی عادت کرده بود (رمزی، ۲۰۱۶: ۳-۲).

سوم: عمل‌گرایی

یکی از مهم‌ترین منش‌ها یا عادت‌واره‌های بازرگان رویکرد اثبات‌گرایانه و پوزیتیویستی وی نسبت به مسائل مختلف بود. بازرگان برای رسیدن به نظم مطلوب سیاسی خویش نیاز به برنامه و ایدئولوژی دارد، و لذا با ویژگی اثبات‌گرایانه و پوزیتیویستی خود به تشریح و تبیین پراتیک و تئوری می‌پردازد و سعی دارد زمینه‌های کنش عملی را فراهم آورد... او این وانهاد عمل‌گرایی را یکی از علل انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه می‌داند (خستو، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۳). بازرگان انقلاب را متهم به اتخاذ برنامه‌های بلندپروازانه و غیرقابل دستیابی می‌کند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۶۴). بازرگان به تجربه و عمل‌گرایی بیش از تفکر صرف انتزاعی اهمیت می‌دهد. او هر مقوله‌ای را که ارزش و نتیجه عملی نداشته باشد فاقد هر گونه ارزش و اعتباری می‌داند.

۳-۲-۲. عادت‌واره‌های روحانیت

اول: غرب‌ستیزی

همان‌گونه که در بالا اشاره شد در نتیجه زیست در میدان فرهنگی (حوزه علمیه) و جایگاهی که طبقات سنتی و روحانیت در میدان سیاست داشتند، شکاف میان دولت و روحانیت به بالاترین حد خود رسید و با توجه به اینکه دولت پهلوی را نماینده و مظهر غرب تفسیر می‌کردند، غرب‌ستیزی به عادت‌واره روحانیت و طبقات سنتی تبدیل شد. غرب‌ستیزی خود را در مخالفت با تمام مظاهر اندیشه و عمل غربی از جمله دموکراسی، آزادی، ناسیونالیسم، مارکسیسم و غیره نشان داد. از این رو زمانی که روحانیت پس از انقلاب اسلامی در میدان سیاست و قدرت به‌طور مستقیم حضور پیدا می‌کند شاخصه رفتاری حذف رفتارهای تکانه‌ای به‌عنوان یک منش یا عادت‌واره به‌خصوص در مقابل کسانی که به‌نوعی از نظر فکری به غرب نزدیک بودند مشاهده می‌شود. این غرب‌ستیزی در تسخیر سفارت آمریکا به‌خوبی آشکار می‌گردد. پس از تسخیر سفارت آمریکا از سوی دانشجویانی که خود را پیرو خط امام می‌نامیدند، آیت‌الله



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بود که نقش اصلی را در کنش حذف و طرد مهندس بازرگان و جریان فکری ملی- مذهبی ایفا کرد. چنانچه میدان را هم چون موجودی زنده در نظر بگیریم که عادت‌واره‌هایی در آن جاری است باید گفت که خصلت سازش‌ناپذیر کنش‌گران در میدان و توزیع نابرابر سرمایه (ساختار میدان) امکان هر گونه اجماع و همکاری میان نخبگان و جریان‌های فکری را عقیم گذاشته و منجر به بی‌اعتمادی و رفتارهای تکانه‌ای و سیاست‌پرد شده است.

۳-۲-۱. ذهنیت‌سازش‌ناپذیر

همان‌گونه که گفته شد افراد عادت‌واره‌های خاصی را که در میدان حاکمیت دارند درونی می‌کنند و کنش و رفتار عاملان اجتماعی بر مبنای آن صورت می‌گیرد. ذهنیت‌سازش‌ناپذیر نخبگان یکی از ویژگی‌های اصلی میدان سیاست در ایران بوده است. بر این اساس ائتلاف و توافق همواره در بستری غیردموکراتیک و در شرایط جنبشی رخ داده است. وجود دشمنی مشترک که غالباً متشکل از نخبگان حاکم است شکل‌گیری ائتلاف را میان نیروهای سیاسی مخالف اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در شرایط نسبتاً دموکراتیک و غیرجنبشی که در آن قدرت دشمن مشترک تضعیف شده است، نخبگان رقیب تن به مصالحه با یکدیگر نمی‌دهند. مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده عدم مصالحه یا عدم تداوم ائتلاف در وضعیت پساجنبشی عبارتند از: ماهیت ائتلاف، شکاف‌های ایدئولوژیک نخبگان، منابع قدرت و سازمان نخبگان و ذهنیت‌سازش‌ناپذیر در فرهنگ سیاسی (یزدانی‌نسب و کاشانی، ۱۴۰۱: ۵۸۱۸).

از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از میان رفتن حکومت پهلوی به‌عنوان عاملی موقت که سبب ائتلاف میان روحانیون و دیگر جریان‌های سیاسی شده بود شرایط جنبشی از میان رفت و با شکل‌گیری شرایط غیرجنبشی در کشور بار دیگر عادت‌واره و خصلت دیرین میدان سیاست در ایران یعنی همان خصلت ذهنیت‌سازش‌ناپذیر در میدان به‌عنوان قاعده اصلی بازی حکمفرما گردید و زمینه تقابل و رویارویی جریان انقلابی با روشنفکران دینی را مهیا کرد. در این میان شکاف‌های ایدئولوژیک نیز بر شدت این تقابل می‌افزود. در واقع تشکیل شورای انقلاب و بعداً نخست‌وزیری مهندس بازرگان در دولت موقت که پیشنهاد آن از سوی آیت‌الله مطهری مطرح و با موافقت آیت‌الله خمینی مواجه شد ناشی از روح همکاری و اتحاد و ائتلاف میان جریان‌های سیاسی و فکری نبود بلکه عمدتاً یک تاکتیک بود و هدف آن فراهم کردن شرایط برای گذار مسالمت‌آمیز قدرت به روحانیون بود. در معنای دیگر آیت‌الله خمینی از روی اجبار یا بنا به مصلحت اجازه ورود بازرگان و جریان ملی مذهبی به میدان سیاست را داده بود.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



انقلاب، با تمرکز منابع قدرت در دست روحانیون شرایط دموکراتیک تبدیل به وضعیت سرکوبگرانه شد و امکان مصالحه را از بین برد (یزدانی نسب و کاشانی، ۱۴۰۱: ۵۸۲۷-۵۸۲۲). گرچه قدرت سیاسی در سال‌های اولیه انقلاب به ظاهر میان دو اردوگاه اصلی یعنی دولت موقت به رهبری مهندس مهدی بازرگان و روشنفکر برجسته مسلمان و رهبر حزب نهضت آزادی و شورای انقلاب به رهبری آیت‌الله خمینی تقسیم شده و دولت موقت مسئولیت ترمیم نهادهای از هم پاشیده پلیس، ژاندامری، ارتش و اداره کشور را بر عهده گرفته بود، اما این شورای انقلاب بود که نفوذ زیادی بر شبکه وسیع کمیته‌های انقلاب، گروه‌های مسجدمحور (حزب‌اللهی‌ها)، دادگاه‌های انقلاب و سپاه پاسداران داشت و عملاً نیروهای حامی آیت‌الله خمینی، شورای انقلاب و گفتمان انقلابی قدرت اصلی را در دست داشتند. (استوار، ۲۰۰۹: ۵۱-۵۰).

در واقع روحانیت با در دست داشتن بخش عمده‌ای از سرمایه اقتصادی، اجتماعی (سرمایه اجتماعی درون‌گروهی)^۱، فرهنگی و نمادین که پس از انقلاب به دست آورده بود از توزیع نابرابر سرمایه در میدان سیاست به سود خود بهره‌برداری کرده و در این راستا وجود عادت‌واره‌هایی از قبیل رفتارهای تکانه‌ای و هیجانی، ذهن‌گرایی، تقدیرگرایی، و کنش ارتباطی درون‌گروهی (در شکل عادت‌واره) و تعامل این عادت‌واره‌ها با میدان سیاست بستر رویارویی و تقابل روحانیت و جریان روشنفکری دینی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی را مهیا کرده که برآیند آن کنش تکانه‌ای در فضای سیاسی کشور بود که در شکل حذف و دگرسازی تمام گفتمان‌ها و جریان‌های فکری رقیب خود را نشان داد و در این راستا گفتمان اسلام‌گرای انقلابی به‌عنوان سرمایه نمادین که محصول روابطی در سطح قدرت بود به‌عنوان ابزاری برای حذف سایر گفتمان‌ها و مشروعیت بخشیدن به تسلط روحانیون در میدان قدرت نقش مهمی ایفا کرد.

نتیجه‌گیری

حذف گفتمان ملی‌گرای مذهبی در میدان سیاست و قدرت ایران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان با بهره گرفتن از چارچوب نظری عادت‌واره و میدان‌پی‌یر بوردیو توضیح داد. بر این اساس حذف گفتمان ملی‌گرای مذهبی و به‌طور کلی جریان روشنفکری دینی را باید بر اساس یک رویکرد تعاملی و دیالکتیکی، حاصل تعامل میدان سیاست و عادت‌واره کنش‌گران فعال در آن دانست. پس از انقلاب اسلامی ۵۷ مهم‌ترین کنش‌تقابلی میان دو گفتمان اصلی حاضر در انقلاب اسلامی یعنی گفتمان اسلام‌گرای انقلابی

۱. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به روابط میان گروه‌های متجانس اشاره دارد این نوع سرمایه دارای زمینه‌های متنوع هستند ولی ارتباطات شخصی قوی می‌باشند. این سرمایه با برانگیختن احساسات افراد توانایی خاصی را برای بسیج افراد دارد. صورت‌بندی ساده از یک گروه می‌تواند منجر به احساس بدگمانی و احساس تنفر افراد گروه نسبت به افراد خارج از گروه باشد.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بونویتز، پاتریس (۱۳۹۱). درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌بوردیو. ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفر، تهران: نشر آگه.

بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۷). الف لام خمینی. تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

پدرام، مسعود (۱۳۸۲). روشنفکری دینی و مدرنیته. چاپ اول. تهران: انتشارات گام نو

تاجبخش، کیان (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

توسلی، غلامعباسی و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۶، ۱-۳۲.

جمشیدی‌ها، غلامرضا، کلانتری، عبدالحسین و نصرتی، روح‌الله (۱۳۹۴). بازار به مثابه میدان: تحلیل بوردیویی بازار با تأکید بر بازار سنتی تهران. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، ۴۶، ۹-۳۴.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

جورج، ریتزر (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

خستو، رحیم (۱۳۸۹). ساخت‌یابی روشنفکری دینی؛ «مطالعه موردی مهندس بازرگان. نشریه علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج)، ۱۰، ۴۳-۷۲.

خمینی، سیدروح‌الله موسوی (۱۳۷۸). مجموعه بیانات و اطلاعیه‌های امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

رضازاده، افشار (۱۳۹۶). بررسی ریشه‌های غرب‌ستیزی در اندیشه سیاسی جلال آل احمد با تکیه بر نظریه پی‌بوردیو. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج.

زکی، محمدعلی (۱۳۹۵). میراث فکری بوردیو در جامعه‌شناسی ایران. مجله نقد کتاب علوم اجتماعی، ۳(۱۰)، ۲۰۷-۲۳۶
سعادت، موسی (۱۳۹۱). تحلیل بوردیویی نقش عوامل سرمایه‌ای در بروز رفتارهای پرخطر. جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، ۶(۱۶)، ۱۵۱-۲۰۰.

شامپاین، پاتریک (۱۳۹۳). پی‌یر بوردیو. ترجمه ناهید مویذ حکمت، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صالحی‌امیری، سیدرضا و سپهرنیا، رزیتا (۱۳۹۴). الگوی ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران تهران: انتشارات ققنوس.

عمرانی، ابوالحسن و یعقوبی، رضا (۱۳۹۶). مطالعه رابطه بین سرمایه فرهنگی با ادراک منزلت اجتماعی دبیران مرد و زن دوره دوم متوسطه شهر بناب در سال ۱۳۹۵. نشریه زن و مطالعات خانواده، ۱۰(۳۷)، ۱۳۵-۱۶۲.

فالاچی، اورینا (۱۳۸۷). گفتگوهای اورینا فالاچی، ترجمه غلامرضا امامی، چاپ پنجم. تهران: نشر افق.

فتاحی، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نقش جامعه‌شناسی تعامل‌گرایانه پی‌یر بوردیو در شکل‌گیری اندیشه توسعه سیاسی در ایران در دهه دوم بعد از انقلاب. پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نشر نی.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Ostovar, Afshon. (2009). Guardians of the Islamic Revolution Ideology, Politics, and the Development of Military Power in Iran (1979-2009).

<https://deepblue.lib.umich.edu/handle/2027.42/64683>

Ramsey, Christopher. (2016). The Failure of Mehdi Bazargan, How the Revolutionary Council, the Clerical Oligarchy, and United States Foreign Policy Undermined the Liberal Democracy of Iran 1979. B.A. in History, May 2012, Western Kentucky University. https://scholarspace.library.gwu.edu/concern/gw_etds/bc386j40t?locale=fr

